

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی آیه دوم

آیه دوم دال بر این مدعی، آیه 5 سوره مومنون است «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ* إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ* فَمَنْ أُنْتَفِيَ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»، این آیه شریفه دو قسمت صدر و ذیل دارد، که در صدر آیه دو قسمت مستثنا منه و مستثنا و استثنا وارد شده است. به کدام قسمت از این آیه شریفه می‌توانیم بر این مدعی استدلال کنیم؟ مدعی این است که قرار دادن نطفه اجنبی در رحم اجنبی چه حکمی دارد؟ آیا می‌توانیم حرمتش را می‌توانیم از این آیه استفاده کنیم یا نه؟

بیان استدلال به صدر آیه

قسمت اول آیه با قطع نظر از استثنائی که دارد می‌فرماید «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ» بیان استدلال به این قسمت این است که بگوییم: آیه می‌فرماید «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» تا اینجا که می‌گوید؛ مؤمنین کسانی اند که فروج خود را حفظ می‌کنند (مردان مومن)، یعنی اینکه زن اجنبیه به فروج آنها نگاه کند یا زن اجنبیه فروج آنها را لمس کند یا اینکه این مرد با زن اجنبیه مقاربت نامشروع کند، آیه تمام اینها را خلاف ایمان می‌داند.

بگوییم نظیر آن حرفی که در «بِحَفَظْنِ فُرُوجَهُنَّ» بود، «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ» می‌گوید مرد حفظ الفرج می‌کند. از چه چیزی؟ متعلقش را ذکر نکرده و حذف المتعلق يدل علي العموم، در نتیجه از همه چیزها حفظ الفرج می‌کند، یکی این است که اجازه ندهد و حق ندارد این منی خود را و ماء خود را در رحم اجنبیه قرار دهد، حفظ الفرج، نگاه، لمس و مقاربت را شامل می‌شود و یک مصداق دیگرش این است که حق ندارد ماء خود را ولو بوسیله ابزار در رحم دیگری قرار دهد.

بیان استدلال به ذیل آیه

ذیل آیه شریفه که دارد «فَمَنْ أُنْتَفِيَ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» ذیل آیه شریفه هم می‌شود استدلال کرد، منتهی در ذیل آیه شریفه نیازی به این قاعده حذف المتعلق يدل علي العموم نداریم.

اگر فقیه بخواهد به صدر این آیه مراجعه کند به قاعده حذف المتعلق يدل علي العموم نیاز دارد، اما اگر بخواهیم به ذیل آیه مراجعه کنیم، «ذلک» این است که مردان فروج خود را حفظ می‌کنند مگر برای دو دسته؛ یکی زنهای خود و دیگری کنیزهای خود. «وراء ذلک» اطلاق و عمومیت دارد، یعنی اگر مردان برای غیر از این دو دسته فروج را حفظ نکردند مطلقاً یعنی یک

مصادقش این است که ماء خود را در رحم اجنبیه قرار دهند. که این هم یک مصداق وراء ذلک است اینجا تجاوز کارند و از حد الهی تجاوز کرده اند.

فرق استدلال به صدر آیه با استدلال به ذیل آیه

ما برای استدلال به صدر آیه می‌توانیم مراجعه کنیم به انضمام این قاعده و ذیل آیه هم می‌توانیم استدلال کنیم اما در استدلال به ذیل، نیازی به ضمیمه کردن این قاعده وجود ندارد.

استفاده قانون کلی از آیه

نکته ای که وجود دارد این است که آیا می‌توانیم از این آیه استفاده کنیم که خداوند متعال می‌خواهد قانون کلی راجع به فروج بیان کند؟ آیا از آیه می‌توان استفاده کرد که در اسلام خداوند متعال یک قانونی برای فروج دارد و می‌گوید فرج مرد فقط برای زن خودش و کنیز او حلال است و غیر از این هر چه باشد حرام است، در نتیجه از آیه شریفه حرمت محرمات متعددی را استفاده کنیم، بر طبق این آیه، زنا، لواط، مساحقه، تفخیز و استمناء حرام است، که حتی در بعضی از روایات استمناء از امام(ع) سوال شده است که از کجای قرآن استفاده کرده اید که استمناء حرام است؟

حضرت فرموده اند از این آیه «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» البته نکته دیگری وجود دارد که آیا این آیه شامل زنها هم می‌شود. و یکی از چیزهایی که حرام می‌شود این است که نطفه مرد در رحم اجنبیه قرار داده شود. یعنی اگر ما گفتیم آیه قانونی را راجع به فروج بیان می‌کند و می‌گوید لازم نیست مرد از زن و کنیز خود حفظ الفرج کند اما ما وراء این حرام است و عمومیت دارد. نتیجه اش این است که برای هر مورد اجازه شرعی می‌خواهیم.

اصل اولی در مسأله

ما قبل از اینکه بحث آیات و روایات را مطرح کنیم گفتیم اگر به یک اصولی بگویند که در شبهه تحریمیه، مثلاً نمی‌دانیم که قرار دادن نطفه در رحم اجنبیه حرام است یا نه؟ می‌گوید همه اصولیین اصالة البرائة عقلي و نقلي را جاری می‌کنند الا یک دسته از علما که اخباری‌ها هستند. اما اگر ما باشیم و این آیه، آیه شریفه می‌فرماید در مورد فروج قانون اولی تحریم است الا در دو مورد؛ ملک یمین و ازواج، در غیر اینها هر چه باشد حرام است.

بررسی استدلال به آیه

درست است که ما نسبت به آن بیان حذف المتعلق يدل علي العموم اشکال کردیم. اما ذیل آیه نیازی به ضمیمه کردن این قاعده حذف المتعلق ندارد، چون خودش اطلاق و عموم دارد، می‌فرماید «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ» و تمام اینها را شامل می‌شود و نتیجه می‌گیریم که قرار دادن در رحم اجنبیه جایز نیست.

بحث اشتراک تکالیف بین زن و مرد

اینجا دو بحث وجود دارد. یک بحث این است که آیا بر این مرد اجنبی جایز است از غیر طریق زنا نطفه را در رحم اجنبیه قرار دهد یا نه؟ یعنی اگر از مردی نطفه ای را گرفتند و در رحم اجنبیه قرار دادند این می شود فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ و مرد حفظ الفرج نکرده و حرام مرتکب شده؟ دوم اینکه زن هم حفظ الفرج نکرده، چون وقتی می گوئیم آیه از روی قاعده اشتراک تکالیف بین زن و مرد فرقی ندارد، زن هم باید از غیر شوهرش حفظ الفرج کند. اینجا اگر مرد خودش از غیر طریق زنا نطفه را در رحم اجنبی قرار دهد بگوئیم این یک حرام و زن هم چون فرج خود را برای غیر شوهرش قرار داده حرام دومی را مرتکب شده است.

پس کسانی که می خواهند بگویند تلقیح نطفه اجنبی بر اجنبیه حرام است باید دو حرام را ملتزم شوند. آیه می فرماید «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» قاعده اشتراک می گوید زن ها هم همینطور. آیه دیگری در سوره احزاب می فرماید «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» تا می رسد به اینجا که می فرماید «وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ» آیا ملتزم می شوند به اینکه دو حرام می شود، هم مرد مرتکب حرام می شود هم زن؟ می گویند وقتی می گوئیم تلقیح نطفه اجنبی به اجنبیه حرام است هر دو را شامل می شود. این نکته دیگری بود که باید بگوئیم آیه هم شامل مرد ها می شود و هم شامل زن ها.

اما اگر کسی قاعده اشتراک را قبول نکرد و گفت این آیه مختص به رجال است، باز هم در استدلال ضرری وارد نمی کند چون این بیان استدلال که عرض کردم آیه می گوید مرد باید فرج خود را بر غیر زن و کنیز خود حفظ کند، یعنی نباید بگذارد اجنبیه به او نگاه کند و لمس کند و تمتع ببرد، مصداق دیگرش هم این است که مرد نباید بگذارد ماء او در رحم اجنبیه قرار بگیرد، لذا اگر کسی در قاعده اشتراک اشکال کرد و گفت این آیه فقط اختصاص به رجال دارد از این نظر ضربه ای به استدلال وارد نمی شود. در مقام استدلال همیشه – بر طبق نظر والد معظم خودمان که همیشه از این روش وارد می شوند – باید محکم وارد شویم، یا باید به صدر این آیه مراجعه شود و یا به ذیل آن، و گفتیم در استدلال به این آیه شریفه فرقی نمی کند که قاعده اشتراک را جاری کنیم یا نه یک چنین استدلالی هست.

نقد استدلال به آیه دوم

آیا استدلال به این آیه تمام است یا نه؟ اولین اشکال نظیر اشکالاتی است که در روایات وارد کردیم و گفتیم که اگر نطفه این مرد را مرکزی بگیرد و در رحم زن اجنبیه قرار دهد صدق نمی کند که بگوید اقر، و اصلاً استناد به آن مرد ندارد و چه بسا آن مرد خبر ندارد. اگر مردی نطفه اش در جایی ریخته شد و مرکزی آمد و آن را در رحم اجنبیه قرار داد اینجا نمی گویند که مرد حافظ فرج نبود. اگر ماء را مستقیماً و از طریق مقاربت نامشروع در رحم زن قرار داد، نه به جهت این که ماء در رحمش قرار گرفته بلکه به جهت مقاربت نامشروع می گویند حفظ الفرج نکرده است، حتی در مقاربت نامشروع که مرد زنا کرد و منی خود را در رحم اجنبیه قرار داد می گویند دو مخالفت با فرج و حفظ الفرج کرده است؛ یکی از جهت زنا و یکی از جهت اینکه منی را در رحم اجنبیه قرار داده است.

نه اینطور نیست و قرار دادن منی از مصادیق حفظ الفرج نیست و اگر از طریق زنا نبوده و از طریق وسائل بوده نمی گویند مرد حفظ الفرج نکرده. اینجا برای استدلال باید سراغ زن برویم و اگر کسی گفت قاعده اشتراک را قبول داریم و این آیه شامل مردان و زنان است و زن باید حفظ الفرج کند مگر نسبت به شوهر خود، اینجا عیبی ندارد اگر زنی اجازه داد ماء مرد اجنبی در رحم او قرار بگیرد اینجا ما می توانیم بپذیریم که زن حفظ الفرج نکرده و عرف هم مساعد با این است. اگر ما باشیم و قاعده اشتراک و این آیه هم مشترک باشد می توان گفت که زن حفظ الفرج نکرده، اما مرد خلافی مرتکب نشده است.

نقد تفسیر آیه با روایات

اما همه این حرفها با قطع نظر از روایات وارده است. ما دیروز روایتی را خواندیم که هر کجا در قرآن حفظ الفرج آمده باشد مقصود زنا است الا آیه 31 سوره نور که می‌فرماید «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَغَضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَبَحَفَظُوا فُرُوجَهُمْ...» و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَغَضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَبَحَفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» □ روایت معتبر وارد شده بود که مقصود از حفظ الفرج در آیه سوره نور نگاه است، اما در جاهای دیگر مقصود زنا است. در این آیه شریفه ما می‌توانیم بگوییم اشکال دوم این است که در این آیه شریفه اولاً قرینه داخلیه داریم و خود این استثنا که می‌فرماید «إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ» یا بر ازواج یا بر آنهایی که ملک یمین هستند، ارتباط مرد با زوجهای خودش فقط مقاربت و لمس است و آیه در مورد مقاربت است و «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» یعنی اگر مقاربت غیر مشروع انجام دهد، و آیه خودش قرینه داخلی دارد که مراد زنا است.

اگر آیه هم نباشد در روایت وارد شده که هر کجا مقاربت وارد شود مقصود زنا است الا آن آیه در سوره نور. فقط باقی می‌ماند یک روایت که مجالی نشد آن را پیدا کنم، اگر در جایی از «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» استفاده شده باشد برای حرمت استمناء، درست است که «الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» برای زنا است، اما «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» همه را شامل می‌شود زنا و لواط و استمناء و... همه را شامل می‌شود، اگر اینها را شامل شد و اشتراک را در این آیه قائل شدیم می‌توانیم بگوییم اگر زن منی دیگری را در رحم خود قرار داد می‌شود «ابتغی وراء ذلك».